مجله علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی
سال ۱۴، شماره ۲، صفحات ۶۳ تا ۶۷ (زمستان ۸۳)

Original Article

بررسی انواع خشونت خانوادگی نزد زنان در شهر اصفهان، سال ۱۳۸۲

دکتر حسین ملک افضلی[۱]، مرتضی مهدی زاده[۲]، دکتر احمدرضا زمانی[۲]، دکتر زیبا فرج زادگان [۲]

[۱] دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران
[۲] گروه پزشکی اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

چکیده

سابقه و هدف: *خشونت شوهران مسئله ای است که حیات خانواده و جامعه را تهدید می کند. اینگونه خشونتها در همه کشورها گزارش شده و موضوع اصلی کنفرانس حقوق بشر وین در سال ۱۹۹۷ بود که در آن ابعاد مختلف خشونت و راهکارهای عملی کاهش آن بیان شد. دراین مطالعه نیز موارد مختلف خشونتهای کلامی- روانی، جنسی، اقتصادی و فیزیکی شوهران بررسی شده است.*

مواد و روشها: *مرحله اول این مطالعه یک کار آزمایی در عرصه است. در منطقه عملیاتی انجمن تنظیم خانواده در اصفهان، بوسیله پرسشنامه با ۸۱۵ زن شوهردار ۴۹-۱۵ ساله مصاحبه شد. آنالیز نتایج به کمک نرم افزار آماری* SPSS *و آزمون* X^2 *انجام گرفت.*

یافته‌ها: *براساس نتایج حاصله بیشترین فراوانی انواع خشونتها مربوط به خشونت کلامی-روانی (۳۴ تا ۶۲ درصد) بود. خشونتهای جنسی، اقتصادی و فیزیکی در مراتب بعدی گزارش شده است (۵۳-۵ درصد).*

نتیجه‌گیری و توصیه‌ها: *به نظر می رسد توزیع فراوانی انواع خشونتها متاثر از مرحله گذر فرهنگی اجتماعی جامعه باشد. به این معنی که شکل خشونت از فیزیکی به سایر اشکال آن در حال تغییر است. می توان با ارتقاء موقعیت و ارزشهای انسانی زنان و مشارکت آنان در آگاه سازی مردان گامی در جهت تحکیم مبانی خانواده برداشت.*

واژگان کلیدی: *خشونت علیه زنان، خشونت کلامی روانی، خشونت جنسی، خشونت اقتصادی، خشونت فیزیکی.*

مقدمه

غیرعادی بودن روابط بین زن و شوهرها به لحاظ ارزشهای فرهنگی و قوانین و مقررات موجود مسئله ای است که حیات خانواده و جامعه را تهدید می کند. یکی از مصادیق عینی رابطه غیرعادی و نامتعارف، خشونت در خانواده است (۱). مردان برای پیشبرد اهداف خود دست به اعمال خشونت می زنند. اما زنان نیز از ترس آبرو و یا وحشت از خشونت در برابر خواسته های غیرمنطقی شوهران خود تسلیم می شوند که این خود آسیب روانی جدی را برای خانواده بدنبال دارد (۲).

گزارشهای جهانی در مورد خشونت و سلامتی مدل اکولوژیک را مطرح می کند که دارای ابعاد متفاوت بیولوژیکی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی اثرگذار بر خشونت می باشد (۳).

در این رابطه گزارشات فراوانی از نقاط مختلف جهان وجود دارد که عمدتاً از منابع داخلی این کشورهاست. بطور مثال: در شیلی ۶۳ درصد، در آمریکا ۳۵ درصد، در کلمبیا ۲۰ درصد و در گینه نو ۶۲ درصد زنان مورد آزار جسمی شوهرانشان قرار گرفته اند. همین گزارش نشان می دهد که عامل فوت بیش از نیمی از مقتولان زن در کانادا و بنگلادش ناشی از خشونت همسر خود بوده است (۴). منشی پارلمانی دولت آلمان هم مدعی است که در این کشور سالیانه ۴۵۰۰۰ زن از خانه خود گریخته و به خانه های امن پناه می برند زیرا از طرف همسران خود مورد ضرب و شتم و خشونت قرارمی گیرند(۵). مسئله خشونت علیه زنان آنچنان فراگیر و بدون مرز است که نهادهای جهانی نظیر سازمان ملل متحد و سازمانهای دفاع از حقوق بشر را واداشته است که نسبت به این موضوع واکش نشان دهند، بطوریکه در قطعنامه کنفرانس حقوق بشر که

Corresponding author: Hossein Malek Afzali
e-mail: afzali@hbi.ir

[Downloaded from tmuj.iautmu.ac.ir on 2026-10-31]

درسال ۱۹۹۷ در وین برگزار شد با اشاره به اشکال خشونت اعمال شده بر علیه زنان در سراسر جهان به این نکته تاکید شده است که"... باید در نگرش مردان به زنان تغییر داده شود و زنان به مردان یاری برسانند که در برداشتهای خود نسبت به زنان تجدید نظر کنند"(۶).

در این مطالعه که جهت رعایت حقوق زنان و تحکیم خانواده با پشتیبانی علمی-اجرائی صندوق جمعیت ملل متحد (UNFPA) و انجمن تنظیم خانواده جمهوری اسلامی ایران انجام شده است، موارد مختلف خشونتهای کلامی-روانی، جنسی، فیزیکی و اقتصادی شوهران علیه زنان در منطقه عملیاتی انجمن تنظیم خانواده در اصفهان مورد بررسی قرار گرفته است.

مواد و روشها

این مطالعه مرحله اول یک کارآزمائی در عرصه می باشد که در دو منطقه شهر اصفهان انجام شده است. کل جمعیت آن حدود ده هزار نفر بوده و جمعیت مورد مطالعه را زنان ۴۹-۱۵ ساله همسردار تشکیل داده اند. طرح pilot با استفاده از ۴۰ خانوار انجام شد که ۳۴ خانوار آمادگی خود را برای پاسخگوئی اعلام داشتند (۱۴ درصد عدم مشارکت در مطالعه). شیوع خشونت علیه زنان بر اساس تعریف عملی این مطالعه برابر ۱۰ درصد برآورد گردید. بر اساس این مطالعه حجم نمونه به نحوی انتخاب شد که با احتساب ضریب عدم پاسخ دهی در صورت کاهش ۵۰ درصد درخشونت بتوان با احتمال ۹۵ درصد (قدرت آزمون) فرضیه بی تاثیر بودن مداخله را در سطح ۵٪ مردود شناخت. گرچه نمونه محاسبه شده برای ارزیابی مداخله که بعداً انجام خواهد گرفت در نظر گرفته شده است لیکن به فرض اینکه درصد خشونت ۱۰ درصد باشد این حجم نمونه می تواند خشونت را با دقت ۲ درصد برآورد نماید. حجم نمونه تقریباً برابر ۸۱۵ نفر برآورد شد.

با سرشماری اولیه چارچوب نمونه گیری بدست آمد و سپس بروش سیستماتیک و به فاصله دو در میان نمونه ها انتخاب شدند. تعیین اولین خانوار نمونه نیز بروش تصادفی ساده انجام شد. نمونه هائی مورد پرسش قرار گرفتند که علاوه بر تمایل خود آنها، شوهرانشان نیز رضایتنامه کتبی ورود به مطالعه را امضا می کردند و در صورت اعلام عدم تمایل از سوی هر یک از زوجین از مطالعه خارج می شدند. بین ۱ تا ۶ درصد از نمونه ها به برخی از سوالات پاسخ ندادند و تعداد ۵ خانوار نیز از مطالعه خارج شدند که از خانوارهای بعدی جایگزین شدند. این اتفاق گرچه چندان شایع نیست ولی می‌توان آنرا به عنوان محدودیت در مطالعه به حساب آورد.

ابزار مطالعه پرسشنامه بود که پس از مرور متون، مصاحبه با افراد و ذینفعان جامعه با استفاده از سوالات باز طیف حالات ممکن جوابها را بدست آوردیم و پس از تنظیم سوالات کلیدی نسبت به تبدیل آن به پرسشنامه اقدام شد. اعتبار ظاهری و محتوی پرسشنامه با نظر کارشناسان ذیربط بهداشتی، گروه پزشکی اجتماعی و کمتیه اخلاق دانشگاه علوم پزشکی اصفهان تایید شد و تغییرات اولیه انجام و بعد از pilot، پرسشنامه آن نهائی گشت و برای Reliability پرسشنامه ازtest-retest استفاده کردیم که به فاصله یک ماه بعد از pilot با ۴۰ نمونه انجام شد و r=0/83 بدست آمد. سوالات براساس ۵ حالت (همیشه، اغلب، گاهی، بندرت و هیچوقت) بود. متغیرهای مورد نظر در این مطالعه شامل فاکتورهای دموگرافیک و خشونتها شامل: کلامی-روانی، جنسی، اقتصادی و فیزیکی می باشد.

روش گردآوری داده ها مصاحبه با تکمیل پرسشنامه بود و پرسشگران نیز از کاردانها و کارشناسان بهداشتی بودند که بمدت سه روز آموزش دیدند. بمنظور اطمینان از صحت پرسشگری، بصورت تصادفی برخی از سوالات پرسشنامه مجدداً مورد پرسشگری قرار گرفت. جهت آنالیز داده ها از نرم افزار آماری SPSS استفاده شد. آمارهای توصیفی استفاده شد و در موارد مقایسه از آزمون X^2 بهره گرفتیم. $\alpha=0.05$ برای سطح معنی دار بودن در نظر گرفته شد.

یافته‌ها

در این مطالعه ۸۱۵ نفر خانم همسردار ۴۵-۱۵ ساله شرکت کردند که میانگین سنی آنها ۳۴ سال بود. ۱۰ درصد این خانمها تحصیلات دانشگاهی،۳۲ درصد دیپلمه، ۴ درصد بیسواد و بقیه آنها دارای تحصیلات زیر دیپلم بودند.

۷ درصد از خانمها شاغل در خارج از منزل و بقیه خانه دار بودند. ۹۶ درصد آنها اولین ازدواج خود را داشتند. بین خانمهای پاسخگو ۳۲ درصد فرزندی نداشتند، ۳۷ درصد دارای یک فرزند و بقیه آنها دو یا بیش از دو فرزند داشتند. درآمد ماهیانه ۴۱ درصد از نمونه ها کمتر از یک میلیون ریال بود و تنها ۴ درصد آنها درآمد بالای سه میلیون ریال در ماه داشتند.

یافته های این بررسی شامل دو قسمت جداگانه است: اول اینکه از دیدگاه خانمها چه مواردی (بدون در نظر گرفتن

[Downloaded from tmuj.iautmu.ac.ir on 2026-10-31]

وقوع، و یا عدم وقوع آن) خشونت تلقی می‌شود. (جدول شماره ۱) و دوم اینکه چه مواردی از این خشونتها در خانواده آنها واقع شده است (جدول شماره ۲).

جدول ۱- توزیع فراوانی بدترین اشکال خشونت علیه زنان از دیدگاه ۸۱۵ زن مطالعه شونده، اصفهان، سال ۱۳۸۲

نوع خشونت		تعداد	درصد
کلامی- روانی	عکس العمل شدید درصورت مخالفت	۶۶۰	۸۱
	سکوت آزار دهنده	۶۱۹	۷۶
	محول کردن کار فرزندان به خانم	۴۷۳	۵۸
جنسی	توقع از زن برای ارضاء درهرزمان	۷۰۱	۸۶
	عدم درک نیازهای غریزی زن	۶۶۸	۸۲
	رها کردن زن بعداز ارضای مرد	۶۱۱	۷۵
اقتصادی	خرج کردن برای دیگران	۶۳۶	۷۸
	جلوگیری از مشارکت اقتصادی	۶۲۸	۷۷
	جلوگیری از استقلال مالی زن	۵۹۸	۷۳
فیزیکی	هل دادن – تکان دادن -پرت کردن – سیلی زدن و...	۷۹۹	۹۸

جدول ۲- توزیع فراوانی شایعترین خشونتهای اعمال شده علیه زنان درمنطقه عملیاتی انجمن تنظیم خانواده اصفهان، سال ۱۳۸۲*

موارد خشونت		همیشه	اغلب	گاهی	بندرت	هیچوقت	عدم پاسخ
کلامی روانی	محول کردن کار فرزندان به خانم	۲۷	۱۳	۱۲	۸	۳۴	۶
	عکس العمل شدید موقع مخالفت	۱۱	۹	۲۰	۲۰	۳۹	۱
	تصمیم گیری بدون مشورت	۹	۶	۱۹	۱۵	۵۱	۰
جنسی	توقع از زن جهت ارضا در هر زمان	۳۴	۱۰	۹	۸	۳۵	۴
	میل مفرط جنسی	۲۱	۹	۱۴	۱۰	۴۱	۵
	رها کردن زن بعد از ارضای مرد	۱۵	۴	۷	۹	۶۰	۵
اقتصادی	ممانعت از تصمیم گیری اقتصادی	۱۰	۵	۱۰	۸	۶۶	۱
	ممانعت از استقلال مالی زن	۹	۳	۷	۵	۷۶	۰
	خرج کردن برای دیگران	۳	۵	۱۱	۱۱	۷۰	۰
فیزیکی	هل دادن و پرت کردن	۱	۲	۳	۴	۹۰	۰
	مشت و لگد زدن	۱	۲	۲	۳	۹۲	۰
	پیچاندن دست وکشیدن مو	۱	۲	۲	۲	۹۳	۰

* اعداد معرف درصد هستند.

از دیدگاه مطالعه شوندگان بدترین اشکال خشونت کلامی-روانی شامل این موارد بود: عکس العمل شدید در صورت مخالفت همسر (۸۱٪)، سکوت جهت آزار دادن (۷۶٪) و محول کردن کار فرزندان به خانم (۵۸٪). بدترین اشکال خشونت جنسی از دیدگاه پاسخ دهندگان، توقع از زن برای ارضای مردان در هر زمان (۸۶٪)، عدم درک نیازهای غریزی زن در رابطه جنسی (۸۲٪) و رها کردن همسر بعد از ارضای مرد (۷۵٪) بیان شده است. همچنین از این دیدگاه آنها بدترین خشونتهای اقتصادی بترتیب عبارت بودند از: ولخرجی کردن خارج از منزل (۷۸٪)، جلوگیری کردن مردان از مشارکت زنان در تصمیم گیریهای اقتصادی (۷۷٪) و ممانعت از استقلال مالی زنان (۷۳٪).

در مورد خشونتهای فیزیکی ۹۸ درصد از زنان هر نوع برخورد فیزیکی (هل دادن، تکان دادن، پرت کردن، سیلی و...) را خشونت علیه زنان تلقی می کردند.

شایع ترین خشونتهای اعمال شده علیه زنان که همیشه، اغلب و یا گاهی از طریق همسر آنها واقع شده، خشونت کلامی-روانی است. خشونتهای جنسی، اقتصادی و فیزیکی به ترتیب در مراتب بعدی گزارش شده است.

شایع ترین اشکال وقوع خشونت کلامی-روانی در خانواده ها محول کردن کار فرزندان به خانم (۵۲٪)، عکس العمل شدید در موقع مخالفت (۴۰٪) و تصمیم گیری بدون مشورت (۳۴٪) می باشد. از نظر آماری ارتباطی بین سطح درآمد خانوار، اشتغال زنان و تعداد فرزندان با وقوع خشونت کلامی-روانی مشاهده نشد. اما وقوع خشونت کلامی-روانی و سطوح مختلف تحصیلات زنان و مردان اختلاف معنی داری داشت به این معنی که وقوع خشونت در تحصیلات پائین تر بیشتر است.

شایع ترین اشکال خشونت جنسی در خانواده ها توقع از زن جهت ارضای مردان در هر زمان (۵۳٪)، میل مفرط جنسی مردان (۴۴٪) و رها کردن همسر بعد از ارضای مرد (۲۶٪) بود. اگر چه خشونت جنسی در مردان با تحصیلات نهضت و حوزوی و در خانواده های با هزینه ماهیانه بالاتر از چهار میلیون ریال بیشتر از بقیه موارد بود ولی اختلاف معنی داری از نظر آماری نداشت.

شایعترین اشکال وقوع خشونت اقتصادی در خانواده ها جلوگیری مردان از مشارکت خانم درتصمیم گیری اقتصادی (۲۵٪) و ممانعت آنها از دستیابی خانم به استقلال مالی (۱۹٪) و خرج کردن درآمد خانواده برای دیگران می باشد. هر چند فراوانی خشونت اقتصادی در خانواده های با هزینه ماهیانه کمتر از یک میلیون ریال و با سطح تحصیلات پائین بیشتر از بقیه موارد است، ولی این اختلاف از نظر آماری معنی دار نیست.

وقوع خشونت فیزیکی شامل: هل دادن و پرت کردن (۶٪)، لگد و مشت زدن (۵٪) و پیچاندن دست و کشیدن مو (۵٪) گزارش شده است. ارتباط معنی داری بین وضعیت هزینه خانوار،

[Downloaded from tmuj.iautmu.ac.ir on 2026-10-31]

تحصیلات زن و مرد و اشتغال زنان با خشونت فیزیکی مشاهده نشد.

بحث

خشونت علیه زنان پدیده ای است که در آن زن بخاطر جنسیت خود (صرفاً بعلت زن بودن) مورد اعمال زور و تضیع حق از سوی جنس دیگر (مرد) قرار می گیرد. چنانچه این رفتار بین زن و شوهر باشد، از آن به خشونت خانگی تعبیر می شود (۷).

در این بررسی با توجه به عوامل فرهنگی- اجتماعی تاثیرگذار در خشونتهای شوهران نسبت به زنان خود، روی خشونتهائی تکیه شده است که جامعه مورد نظر آنرا خشونت تلقی می کند. در بین خشونتهای اعلام شده بیشترین فراوانی را خشونتهای کلامی-روانی تشکیل داده اند و خشونتهای جنسی و اقتصادی در رده های بعدی قرار دارند. همچنین کمترین فراوانی متعلق به خشونتهای فیزیکی گزارش شده است. این روند با بررسیهای قبلی همخوانی دارد (۳). هرچند مسئله خشونت علیه زنان ابعاد گسترده ای در کلیه کشورهای جهان دارد، اما به دلیل عدم اعلام، عدم ثبت یا کم شماری، آمار دقیقی از آن در دست نداریم (۱). خود زنان نیز در این مشکل آماری دخیل هستند چرا که حاضرند سالها چنین مشکلی را بدوش بکشند ولی بخود جرات نمی دهند درباره آن، با کسی گفتگو کنند (۵). لذا بنظر می رسد میزان واقعی خشونتها بیشتر از ارقام گزارش شده در این بررسی باشد. در بین خانواده هائی که در سطح تحصیلات نهضت و ابتدائی هستند بیشترین خشونتها گزارش شده است و با افزایش سواد زن و مرد از میزان آن کاسته می شود. همچنین شاغل بودن زن و افزایش درآمد خانوار نیز در کاهش خشونتها موثر است. این وضعیت در مطالعه ای که در دانشگاه شهید چمران اهواز انجام گردید، بیان شده است (۸). در این بررسی عکس العمل شدید مردان در مواقع مخالفت، تصمیم گیری بدون مشورت و محول کردن مسئولیت و کار فرزندان به خانم بعنوان شایعترین خشونتهای کلامی-روانی گزارش شده است که در مجموع میزان آن نزدیک به دو برابر نتایجی است که در مطالعات قبلی بدست آمده است (۳). از طرف دیگر اندکی بیش از ۵ درصد زنان خشونتهای فیزیکی شوهرانشان را گزارش کرده اند که کمتر از نصف گزارشات جهانی است. در صورتیکه در مطالعات مختلف خشونتهای فیزیکی را بعنوان بارزترین نوع خشونت علیه زنان در دنیا مطرح کرده اند (۵-۳). این وضعیت می تواند دلایل متفاوتی داشته باشد که در ذیل به آنها اشاره خواهد شد.

اول اینکه خشونتهای فیزیکی نمود ظاهری بیشتری در محاکم و مراکز مشاوره دارد و مطالعات مختلف روی آن متمرکز شده است. دوم اینکه اصولا زنان ما کمتر از خشونت فیزیکی صحبت می کنند. سوم اینکه واقعا مردان جامعه خشونت فیزیکی علیه همسر خود را کاری ناپسند می دانند، لیکن سایر جنبه های خشونت بدلایل فرهنگی اجتماعی برایشان مشخص نیست. چهارم اینکه قوانین قضائی در مورد خشونتهای فیزیکی صراحت بیشتری دارد. شاید همه موارد فوق و همچنین دلایل دیگری خشونتهای علیه زنان را از نوع فیزیکی به سمت کلامی-روانی سوق داده است.

شایعترین خشونت اقتصادی شامل جلوگیری از مشارکت زنان در تصمیم گیری اقتصادی، عدم استقلال مالی و هزینه کردن درآمد خانواده برای دیگران می باشد که نزدیک به ۲۵٪ خانواده ها از آن شکایت داشتند. البته در گزارش WHO مشارکت بدون مزد زنان در تولید خدمات خانگی و بهداشتی و مراقبتهای مربوط به کودکان و سالمندان و ... را نیز در این خشونتها ذکر می کنند. متون اسلامی نیز برای همه موارد فوق حقوقی را برای زنان قائل شده است. لذا دو مطلب حائز اهمیت است. اول اینکه خشونتهای اقتصادی واقعی در منطقه عملیاتی انجمن بیش از ارقام گزارش شده است، دوم اینکه برای نظام حقوقی زنان در جامعه بایستی تلاش مضاعفی صورت پذیرد.

شایعترین خشونت جنسی گزارش شده در این مطالعه توقع از زن برای آمادگی جهت ارضا مردان در هر زمان، رها کردن زن بعد از ارضا مرد و عدم درک مقابل احساسات و نیازهای غریزی زن بود. از طرف دیگر در متون اسلامی برای مسائل جنسی وظایفی برای زن و مرد مطرح شده است مانند درک متقابل نیازها و احساسات غریزی، توجه به ارضا طرفین، آراستگی و نظافت، رعایت شرایط زمانی و مکانی و.... حال اگر یکی از طرفین، به وظایف و تعهدات خود عمل نکرد آیا می تواند مجوزی باشد که طرف مقابل هم به تعهدات خود عمل نکند؟ جواب این پرسش در حیطه متخصصین مربوطه است اما آنچه مسلم است در کنار مسئله تمکین زن باید روی وظایف مرد نیز تاکیدی شایسته بشود. در مجموع بنظر می رسد وجود هر خشونتی علیه زنان به خصوص زنانیکه جزء گروههای آسیب پذیر جامعه می باشند، منجر به ظهور ابعاد دیگری از خشونتها شده و کانون خانواده را دچار مشکل جدی می کند (۹،۱۰). لذا همچنانکه در قطعنامه کنفرانس حقوق بشر سال ۱۹۹۷ وین آمده است: "باید نگرش مردان نسبت به

[Downloaded from tmuj.iautmu.ac.ir on 2026-10-31]

زنان تغییر داده شود و زنان هم بـه مـردان یـاری رسـانند کـه برداشتهای خود را نسبت به زنان تجدید نظر کنند".

در این راستا پیشنهادات ذیل به نظر مفید می رسد:

- فرهنگ سازی برای تقویت جایگاه و ارزشهای انسانی
- ارتقاء موقعیت اجتماعی زنان
- ارتقاء سطح بهداشت و حقوق باروری در جامعه
- آگاه سازی مردان نسبت به ابعاد مختلف خشونت وتاثیر منفی آن بر وضعیت فعلی و آینده خانواده
- گسترش فرهنگ و تسهیلات مشاوره خانواده
- استفاده از بستر ارائه خدمات بهداشتی و آموزشی جهت درک و کاهش خشونت در خانواده

قدردانی

از پشتیبانی های علمی-اجرائی مسئولین و کارشناسان محترم صندوق جمعیت ملل متحد و انجمن تنظیم خانواده جمهـوری اسـلامی ایـران، کمیتـه اخـلاق و معاونـت محتـرم بهداشـتی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان و مدیر بهداشت خـانواده اسـتان در مراحل مختلف طرح، صمیمانه قدردانی می شود.

REFERENCES

۱. پوررضا الف، موسوی پ (مولفین). خشونت علیه زنان. چاپ اول. تهران: نشر ایران، ۱۳۸۰.

۲. کار م. زنان قربانیان خاموش خشونتها. روزنامه اعتماد، چهارشنبه، ۱۴ آبان، سال ۱۳۸۲.

3. Etienne G, Kruy Linda L, Dahlberg J, et al. World report on violence and health. WHO, Geneva; 2002.

4. Report of the United Nations Special Rapporteur on Violence Against Women. 1995. (E/CN.4/1996/53).

5. www.2dw-World/persian/frauen/print/148O52/htm.

۶. کار م. پژوهش درباره خشونت علیه زنان در ایران. چاپ اول، تهران: انتشارات روشنگران، ۱۳۸۰.

7. Violence and Health proceeding of WHO global symposium. 1999 October 15; Kobe, Japan.

۸. شهنی ییلاق م. رابطه برخی عوامل جمعیت شناختی با خشونت شوهران. مجله علوم تربیتی و روانشناختی، ۱۳۷۶؛ جلد ۴، شماره ۲-۱، صفحات ۳۹ الی ۶۳ .

۹. دانش کجوری م. و همکاران. سوء رفتار درحاملگی. مجله پرستاری و مامائی ایران، ۱۳۸۱؛ جلد ۴، شماره تابستان و پاییز، صفحات ۳۱ الی ۳۹.

۱۰. نجومی م، اکرمی ز. عواقب خشونت در دوران بارداری. پایش، ۱۳۸۱؛ جلد ۲، شماره ۱، صفحات ۴۳ الی ۴۸.

[Downloaded from tmuj.iautmu.ac.ir on 2026-10-31]